

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	پیشگفتار
۱	اهمیت اخلاق عملی
۲	اهمیت بحث سقط جنین
۳	رویکردهای متفاوت به بحث سقط جنین
۳	پیشینه بحث
۴	موضوع بحث
۵	پیش فرض ها
۷	شیوه کار
	بخش اول: نظرگاه فلسفی
۹	مقدمه
۱۰	اصطلاحات مهم
۱۵	فصل اول: استدلال‌های جنین محور
	الف) استدلال‌های از لحظه لقاح
۱۶	۱. استدلال ذات نوعی
۱۷	تقریر اول
۱۸	تقریر دوم
۲۴	اشکالات استدلال ذات نوعی
۳۱	تقریری دیگر از استدلال ذات نوعی
۳۴	۲. استدلال از طریق بالقوگی
۳۸	اشکال بر استدلال بالقوگی
۳۹	استدلال بر بالقوگی به دو شیوه سلبی و اثباتی
۴۹	استدلال علیه بالقوگی: سقط جنین به مثابه پیشگیری از بارداری
۵۱	۳. استدلال استمرار وجودی
۵۳	پاسخ شوارز به اشکال تفاوت شخص خواب و جنین
۵۷	تأملی در استدلال استمرار وجودی براساس فلسفه اسلامی
۵۹	۴. استدلال شیب لغزنده

۶۰	تقریر اول: سیر قهقرایی
۶۱	تقریر دوم: سیر طبیعی و صعودی
۶۲	اشکالات استدلال شیب لغزنده
۶۵	پیامدهای نامطلوب استدلال شیب لغزنده
۶۸	خلط استدلال شیب لغزنده با استدلال استمرار وجودی
۷۲	۵. استدلال آینده‌ای شبیه آینده ما
۷۲	تقریر مارکوس از نادرستی قتل
۷۳	بررسی لوازم استدلال آینده‌ای شبیه آینده ما
۷۶	دو تقریر رقیب تقریر مارکوس درباره نادرستی قتل
۷۸	پاسخ مارکوس به اشکالات بر تقریر «آینده‌ای شبیه آینده ما»
۸۱	جایگاه استدلال مارکوس با توجه به استدلال تامسون
۸۳	بونین و استدلال «آینده‌ای شبیه آینده ما»
۸۶	اشکالات بونین بر مارکوس
۹۴	اشکالات تقریر بونین
۱۰۰	تقریر دیگری از استدلال «آینده‌ای شبیه آینده ما»
۱۰۱	۶. استدلال از طریق احتمال شأن و منزلت انسان
۱۰۲	۷. استدلال از راه احتمال و احتیاط
	(ب) استدلال‌های پس از لقاح
۱۰۴	۱. استدلال فعالیت اولیه مغز
۱۰۸	اشکالات استدلال فعالیت اولیه مغز
۱۱۳	نادرستی سقط جنین، اصل تقارن و دوساحتی و جاودانه بودن انسان
۱۱۴	تحلیل مرگ از منظر فلسفه اشراق، مشاء و حکمت متعالیه
۱۱۶	تحلیل جواز یا عدم جواز سقط جنین از منظر حکمت مشاء، اشراق و متعالیه
۱۱۷	۲. استدلال زیست‌پذیری
۱۱۹	اشکالات زیست‌پذیری
	(ج) استدلال‌های پس از تولد (استدلال از طریق مجاز بودن نوزادکشی)
۱۲۰	۱. استدلال مایکل تولی
۱۲۱	دلایل تولی برای پرداختن به بحث نوزادکشی
۱۲۷	شخصی نبودن همه انسان‌ها
۱۲۸	بی‌ارتباطی اصل بالقوگی به اخلاق
۱۲۹	اشکالات نوزادکشی
۱۳۶	۲. استدلال پیتر سینگر

صفحه	عنوان
۱۳۷	اشکالات استدلال سینگر
۱۴۰	فصل دوم: استدلال‌های مادرمحور
۱۴۰	۱. استدلال جنین جزئی از بدن مادر
۱۴۰	اشکالات این استدلال
۱۴۴	۲. استدلال از راه حق زن بر کنترل بدن خود
۱۵۳	اشکالات این استدلال
۱۵۳	مشکلات فیزیکی
۱۵۴	اختیارگرایی و مسئولیت
۱۵۷	تفاوت مثال ویولن‌نواز و مثال جنین و مادر
۱۶۰	بی‌معنایی حق حیات داشتن جنین
۱۶۰	رضایت به آمیزش جنسی و رضایت به بارداری
۱۶۴	مجاز بودن سقط جنین و کشتن جنین
۱۶۵	پاسخی غیر متعارف به تامسون
۱۶۷	تأملی دیگر در استدلال تامسون
۱۶۸	تو و دانشمند کاشف داروی نارسایی کلیه
۱۶۹	۳. استدلال‌های مری آنه وارن
۱۷۰	الف) استدلال پیامدگرایانه بر سقط جنین
۱۷۳	ب) استدلال سقط جنین و حقوق زنان
۱۷۵	ج) استدلال شخص بودن و حقوق اخلاقی
۱۸۸	فصل سوم: ارزیابی به طور کلی و نتیجه‌گیری
۱۸۸	ابهام معنای ارزش در استدلال‌های درباره سقط جنین
۱۹۱	ابهام در معنای شخص
۱۹۸	مسلم انگاشتن تفاوت میان فعل و ترک
۲۰۰	خلط میان اعمال خواسته و ناخواسته و ارادی و غیر ارادی
۲۰۱	خلط میان معانی گوناگون قوه
۲۰۲	حق و تکلیف
۲۰۳	انسان موجودی تک‌ساحتی یا چندساحتی
	بخش دوم: نظرگاه الهیاتی
۲۰۶	فصل چهارم: سقط جنین و آغاز حیات انسان
۲۰۷	کانون بحث در مسئله سقط جنین
۲۱۰	تحلیل آغاز حیات انسان از راه تحلیل مرگ

صفحه	عنوان
۲۲۰	آغاز حیات انسان از راه تحلیل خاستگاه انسان
۲۲۷	فصل پنجم: سقط جنین و جایگاه انسان در نظام هستی
۲۲۸	آیات دال بر خاستگاه و منشأ انسان
۲۲۸	مخلوق بودن انسان و دمیده شدن روح الهی در او
۲۲۹	خلق شدن انسان به دست خدا
۲۳۰	بیهوده خلق نشدن انسان و هدف از خلقت انسان
۲۳۱	گرفتن میثاق از انسان در عالم ذر
۲۳۲	آیات دال بر سرشت انسان و تفاوت او با دیگر موجودات
۲۳۳	تعلیم اسما به حضرت آدم
۲۳۳	امر به فرشتگان به سجده
۲۳۵	تحمل بار امانت الهی از سوی انسان
۲۳۶	انسان خلیفه الهی
۲۳۸	کرامت انسان
۲۳۹	خلق آنچه در زمین است برای انسان
۲۴۰	آیات دال بر سرنوشت آدمی
۲۴۰	تنزل برخی از انسان‌ها و شبیه و یا بدتر از حیوان شدن
۲۴۲	توان انسان برای دیدن عالم ملکوت
۲۴۲	سیر انسان به سوی خدا و لقای حق
۲۴۳	استمرار حیات آدمی پس از مرگ
۲۴۳	استدلال بر نادرستی سقط جنین از راه جایگاه انسان در هستی
۲۴۹	فصل ششم: نادرستی سقط جنین بر مبنای هدیه بودن جنین از سوی خدا
۲۴۹	کانون بحث در مسئله سقط جنین
۲۵۰	مفهوم‌شناسی واژه هبه
۲۵۲	آیات حاوی واژه «هبه» در مورد فرزند
۲۵۲	۱. آیاتی که در تقاضای فرزند، واژه هبه به کار رفته
۲۵۶	۲. آیاتی که خداوند از اعطای فرزند به انسان به هبه تعبیر کرده
۲۵۹	۳. آیه‌ای که خدای متعال به علت هبه فرزند، ستایش شده
۲۶۰	۴. آیه‌ای که اعطای فرزند، چه دختر و چه پسر، را با واژه هبه تعبیر کرده
۲۶۲	۵. آیاتی که علاوه بر هبه، واژه رحمت نیز در آن‌ها به کار رفته
۲۶۳	۶. آیاتی که هبه در مصادیق غیر فرزند به کار رفته
۲۶۵	۷. به کارگیری واژه بشارت درباره فرزنددار شدن انسان

صفحه	عنوان
۲۶۷	استدلال بر نادرستی سقط جنین براساس هبه بودن فرزند
۲۷۳	چالش‌های استدلال نادرستی سقط جنین با استناد به آیات هبه
۲۷۳	۱. لازم نبودن قبول هبه
۲۷۴	۲. اختصاص آیات هبه به پیامبران
۲۷۵	۳. ناقص بودن هبه
۲۷۶	۴. جنین‌های نامشروع
۲۷۷	۵. در معرض خطر بودن جان مادر
۲۷۹	فهرست منابع
۲۸۷	نمایه

پیشگفتار

اهمیت اخلاق عملی

اخلاق همواره مورد تأکید انبیای الهی و از جمله پیامبر اسلام (ص) و قرآن بوده است تا جایی که هدف رسالت ختمی مرتبت قرار گرفته است. علاوه بر مباحث الهیات اخلاقی، امروزه به ویژه از نظر گاه فلسفی به اخلاق نگاه می‌شود و تأملات فلسفی درباره اخلاق که با عنوان فلسفه اخلاق^۱ مشهور است رواج خاصی دارد.

فلسفه اخلاق که به اختصار می‌توان آن را فعالیتی عقلانی درباره اخلاق تعریف کرد امروزه به دو شاخه تقسیم می‌شود: (۱) فرااخلاق^۲ که با عنوان اخلاق تحلیلی^۳ و اخلاق نقدی^۴ نیز نام‌بردار است. در فرااخلاق علاوه بر تحلیل مفاهیم اخلاقی به مباحثی همچون تحلیل گزاره‌های اخلاقی، نحوه توجیه آن‌ها، استدلال اخلاقی، معرفت‌شناسی اخلاق و اطلاق و نسبییت پرداخته می‌شود؛ (۲) اخلاق هنجاری که به نوبه خود به دو شاخه تقسیم می‌شود: الف) اخلاق هنجاری نظری^۵ که در پی به دست دادن قاعده و معیارهای کلی برای فعل اخلاقی است. امروزه نظریات گوناگونی در این باره مطرح است از جمله وظیفه‌گرایی، غایت‌گرایی، اخلاق فضیلت‌محور و اخلاق حق‌محور؛ ب) اخلاق هنجاری عملی^۶ که می‌کوشد حکم اخلاقی موارد جزئی و عملی را به دست آورد و نظریه‌های اخلاقی را در موارد جزئی و عملی پیاده کند و لوازم عملی آن‌ها را به تأمل بنشیند.

گرچه مباحث نظری درباره اخلاق اهمیت دارد، ولی مباحث عملی اخلاق از اهمیتی دو چندان برخوردار است، زیرا اولاً، در اخلاق عملی به مسائل و موضوعاتی پرداخته می‌شود که با رفتار و کردار روزمره آدمی ربط و نسبت دارد و آگاهی از آن‌ها تأثیر مستقیمی بر رفتار و کردار انسان‌ها می‌تواند داشته باشد و ثانیاً، می‌تواند محکمی باشد برای صحت و سقم نظریات اخلاقی و اینکه این نظریات در مرحله عمل چه نتایجی در پی خواهند داشت و ثالثاً، جنبه تعلیمی و تشویق و ترغیب دیگران به فلسفه اخلاق و پی بردن به اهمیت فلسفه اخلاق با پرداختن به اخلاق عملی بیشتر بروز و نمود می‌یابد.

-
1. moral philosophy/ethics
 2. meta-ethics
 3. analitic ethics
 4. critical ethics
 5. theoretical normative ethics
 6. practical normative ethics/applied ethics

امروزه اخلاق عملی دایره بسیار وسیع و گسترده‌ای یافته است. اخلاق عملی را به اخلاق حرفه‌ای^۱ و عمومی^۲ تقسیم می‌کنند. مراد از اخلاق عمومی آن دسته از احکام اخلاقی است که به حرفه و شغل خاصی تعلق ندارد، مانند راست‌گویی، دروغ‌گویی و دروغ مصلحت‌آمیز. در مقابل، اخلاق حرفه‌ای عبارت است از آن دسته احکام اخلاقی مربوط به حرفه و شغل خاصی، مانند اخلاق پزشکی، اخلاق زیست‌پزشکی، اخلاق محیط زیست، اخلاق صلح، اخلاق جنگ، و اخلاق فناوری. حتی احکام اخلاقی به دایره تفکر و باورهای آدمی نیز سرایت می‌کند و امروزه درباره اخلاق باور و اخلاق تفکر نیز تأملاتی صورت می‌گیرد.

اهمیت بحث سقط جنین

در میان مباحث مطرح در اخلاق عملی مباحث مربوط به اصل حیات آدمی، آغاز، استمرار و پایان آن اهمیت بسزایی دارد که در اخلاق پزشکی و زیست‌پزشکی بررسی می‌شود. از این میان یکی از مسائل بسیار چالش‌برانگیز سقط جنین است.

سقط جنین تقریباً در همه حکومت‌های دموکراتیک غربی به جز سوئد و دانمارک تا سال ۱۹۶۷م غیرقانونی بود. سپس بریتانیا قانون مربوط به سقط جنین را تغییر داد و آن را مجاز دانست و دیوان عالی ایالات متحده آمریکا در سال ۱۹۷۳ در پرونده‌ای در این زمینه، سقط جنین را در شش ماهه اول طبق قانون اساسی مجاز دانست. کشورهای اروپای غربی از جمله ایتالیا، اسپانیا و فرانسه قوانین مربوط به سقط جنین را جرح و تعدیل کردند و تنها جمهوری ایرلند با این روند مخالفت کرد. در آمریکا در سال ۱۹۷۷ بیش از یک میلیون سقط جنین انجام شد و تقریباً از هر چهار زن یک نفر مرتکب سقط جنین می‌شد.^۳

در ایالات متحده پس از روی کار آمدن رؤسای جمهور محافظه‌کار ترکیب دیوان عالی تغییر کرد و ایالت‌ها اجازه یافتند مجوز سقط را محدود سازند. در کشورهای کمونیستی نیز سقط جنین مجاز بود، اما با روی کار آمدن نیروهای ملی و مذهبی اقدامات شدیدی در کشورهایی مانند لهستان برای برقراری مجدد قوانین محدودکننده سقط جنین شکل گرفت.^۴ به موازات مباحث حقوقی، مباحث اخلاقی سقط جنین در چند دهه اخیر به شدت مطرح شده و موافقت‌ها و مخالفت‌های بسیاری در پی داشته است. شاید یکی از دلایل عمده اهمیت یافتن آن این باشد که حق حیات یکی از مهم‌ترین حقوق آدمی است.

1. professional ethics

2. general ethics

3. Hayler, 1979, p. 307 and see Callahan, 1978, Vol. 437, p. 118.

4. Singer, 1993, p. 135.

رویکردهای متفاوت به بحث سقط جنین

به سقط جنین از منظرهای گوناگونی می‌توان نگرینست از جمله منظر حقوقی و اخلاقی. ارزش داوری حقوقی با ارزش داوری اخلاقی متفاوت است و شاید بتوان گفت که ارزش داوری اخلاقی اهمیت بیشتری دارد، چرا که اولاً، ارزش داوری‌های حقوقی ثبات ارزش داوری‌های اخلاقی را ندارند؛ ثانیاً، ارزش داوری‌های حقوقی باید تابع ارزش داوری‌های اخلاقی باشند نه برعکس و ثالثاً، حقوق یک‌سره با حق و در نتیجه با عدالت سروکار دارد چون عدالت جز پاسداشت حق‌ها چیز دیگری نیست؛ اما اخلاق گرچه در مواردی با حق و به تبع آن با عدالت سر و سری دارد، ولی بیشتر سروکارش با احسان و غم دیگران را خوردن است و در نهایت به عشق می‌رسد که شاید با نگاه حقوقی قابل هضم هم نباشد.

در تفکر اسلامی گرچه حقوق ناشی از فقه اسلامی است و در نتیجه ممکن است گمان شود که ثباتی که در فقه هست در حقوق نیز ساری و جاری است، ولی چه بسا پیشرفت‌های حاصل در مباحث اخلاقی در نوع نگاه فقهی و در نتیجه در استنباط احکام از منابع مربوط نیز تأثیرگذار باشد و از این رو یا احکام فقهی را تعمیق بیشتری بخشد و یا موجب تغییری در استنباط احکام شود. اما اینکه چرا به جای بحث فقهی مسئله از منظر اخلاقی (با رویکردی فلسفی و الهیاتی) پی گرفته شد به این دلیل است که اولاً، درباره این مسئله از منظر فقهی بسیار بحث شده است، ولی در میان متفکران مسلمان از منظر اخلاقی چه به لحاظ فلسفی و چه به لحاظ الهیاتی چندان به آن پرداخته نشده است؛ ثانیاً، فقه نوعاً کارکردی درون‌دینی دارد، ولی از آنجا که اخلاق مبتنی بر دین نیست از این رو اگر مسئله سقط جنین به لحاظ فلسفی بحث شود کارکردی فرادینی و مخاطبان بیشتری خواهد داشت، چرا که با استدلال عقلی می‌توان علاوه بر تقویت باورهای الهیات اخلاقی متدینان و غیرمتدینان را نیز قانع ساخت و از سوی دیگر با پیگیری این بحث از منظر الهیات اخلاقی قرآن می‌توان متدینان از فقه‌گرایان متعهد به مسائل اخلاقی را متوجه اهمیت این موضوع کرد.

پیشینه بحث

سقط جنین از دیدگاه فقهی و حقوقی در میان فقهای اسلامی همواره مورد بحث بوده است،^۱ ولی از جنبه اخلاقی بحث چندان دربارۀ آن نشده است و شاید بتوان ادعا کرد تاکنون کتاب مستقلی درباره اخلاق سقط جنین به زبان فارسی تألیف (و حتی ترجمه نیز) نشده است و تنها

۱. نک: المحسنی، بی‌تا؛ ادریس، ۱۴۱۹ ق؛ ابن محمد رحیم، ۱۴۰۹ ق؛ حسینی بهشتی، ۱۳۸۸؛ موسوی بجنوردی، ۱۳۸۴، ص ۵۶-۴۱.

مقالاتی بسیار اندک در این زمینه وجود دارد؛ اما در مغرب‌زمین بحث‌های بسیاری درباره سقط جنین از دیدگاه اخلاقی صورت گرفته و مقالات و کتاب‌های بسیاری در این زمینه تألیف و منتشر شده است. برای پی بردن به پیشینه آن در غرب تنها کافی است به دو مأخذشناسی درباره سقط جنین به زبان انگلیسی نیم‌نگاهی انداخته شود.

یکی از آن‌ها سقط جنین از نظرگاه دینی و اخلاقی^۱ (سال ۲۰۰۳) با ۲۶۳ صفحه است. در این مأخذشناسی توصیفی هر منبعی در یک یا چند سطر توصیف شده و مشخصات ۱۲۴۳ کتاب یا مقاله درباره سقط جنین آمده است. در فصل هفتم ۲۹۱ مأخذ فلسفی و اخلاقی معرفی و توصیف شده‌اند، علاوه بر بسیاری از مأخذ دیگری که به طور مستقیم یا غیر مستقیم به مباحث فلسفی و اخلاقی درباره سقط جنین مربوط می‌شوند، از جمله فصل اول با عنوان «شخص بودن و شأن و منزلت جنین» که در آن ۱۶۲ مأخذ معرفی و توصیف شده است.

کتاب دیگر با عنوان سقط جنین، فرهنگ پزشکی، کتاب‌شناسی و راهنمای تحقیق درباره منابع اینترنتی^۲ (سال ۲۰۰۳) در ۳۶۴ صفحه است و همان‌گونه که از عنوان کتاب نیز مشخص است تنها به معرفی منابع اینترنتی درباره سقط جنین پرداخته است و در فصل هفتم به معرفی کتاب‌های موجود در فضای اینترنت و فروشگاه‌های اینترنتی می‌پردازد. در میان سایت‌ها و کتاب‌های معرفی شده منابع بسیاری درباره مباحث فلسفی و اخلاقی سقط جنین دیده می‌شود. شایان ذکر نیست که انتشار این دو اثر در سال ۲۰۰۳ است و منابع تا آن سال معرفی شده‌اند.

موضوع بحث

مراحل تکون جنین متفاوت است. اینکه آیا جنین از لحظه لقاح انسان است یا نه میان پزشکان، فیلسوفان و الهی‌دانان اختلاف است. با توجه به اینکه در علوم پزشکی و زیست‌پزشکی تنها با ساحت بدن انسان سروکار دارند از این رو، موضوع پیدایش انسان را تنها از همین زاویه بررسی می‌کنند. برخی از آن‌ها بر آن‌اند که جنین از لحظه لقاح انسان است و برخی دیگر مرحله‌ای پس از لقاح را در انسان به‌شمار آوردن جنین مد نظر دارند. فیلسوفان نیز بر دو دسته‌اند: برخی که انسان را تک‌ساحتی می‌دانند و جز ساحت بدن به ساحت دیگری معتقد نیستند، براساس مطالعات پزشکی و زیست‌پزشکی همان اختلاف پیشین در میان آن‌ها دیده می‌شود و برخی نیز میان انسان به لحاظ زیست‌شناسی و انسان به لحاظ اخلاقی تفاوت قائل شده‌اند. اما لازمه دیدگاه فیلسوفانی که غیر از ساحت بدن به ساحت دیگری نیز معتقدند این

1. Johnston, 2003.

2. Parker & Parker (Eds.), 2003.

است که اطلاق لفظ انسان تنها در صورتی بر جنین صادق است که ساحت دیگر نیز به وجود آمده باشد، خواه از لحظه لقاح یا در مرحله‌ای پس از لقاح. در هر حال اطلاق انسان بر جنین تنها در صورتی صادق است که ساحت گوناگون انسان به وجود آمده باشند، چراکه وجود مرکب با نبود یکی از اجزایش منتفی است و صدق نام مرکب بر یکی از اجزایش حقیقی نیست مگر آنکه یک ساحت، ساحت اصلی باشد و ساحت یا ساحت دیگر فرعی که با تحقق ساحت اصلی و یا بقای ساحت اصلی صدق انسان همچنان درست به نظر می‌رسد. الهی‌دانان نیز بسته به برداشت خود از متون دینی با یکدیگر اختلافاتی دارند.

فرضیه ما در این کتاب آن است که نادرستی سقط جنین بسته به مراحل تکون جنین به لحاظ اخلاقی به دو جهت است: یکی به دلیل انسان بودن جنین و دیگری به دلیل دارا بودن قوه قریب و قوی انسان شدن. با توجه به اینکه انسان بیش از یک ساحت (ساحت بدن و غیر بدن) دارد و تمام حقیقت انسان ساحت غیر بدن اوست که پس از مرگ نیز همچنان به زندگی خود ادامه می‌دهد، از این رو با حضور ساحت غیر بدن اطلاق انسان بر جنین جایز است و سقط آن به دلیل قتل نفس، نادرست است. اما بدون حضور ساحت غیر بدن، انسان بر جنین اطلاق نمی‌شود و در نتیجه سقط آن به لحاظ قتل نفس نادرست نیست، ولی بدین معنا نیست که سقط جنین پیش از وجود ساحت دیگر اخلاقاً مجاز باشد، چون می‌توان با توجه به اینکه جنین قوه انسان شدن دارد نادرستی سقط آن را به لحاظ اخلاقی نشان داد؛ به عبارت دیگر، سقط جنین از لحظه لقاح به لحاظ اخلاقی نادرست است، البته از زمانی که انسان بر جنین اطلاق می‌شود سقط آن به لحاظ قتل نفس قبیح است و پیش از صدق انسان بر جنین به جهت آنکه قوه قریب و قوی انسان شدن دارد نادرست است.

پیش فرض‌ها

۱. نادرست بودن کشتن انسان. یکی از بحث‌های مهم در بحث سقط جنین نادرست بودن کشتن انسان و دلایل آن است؛ اما در این کتاب به این مهم نمی‌پردازیم و آن را اصل موضوعی مسلم فرض می‌گیریم، چون موافق و مخالف سقط جنین بر سر این موضوع با یکدیگر اختلافی ندارند و هر دو طرف بحث پذیرفته‌اند که کشتن انسان به لحاظ اخلاقی نادرست است، البته برخی نادرستی قتل را در مورد انسان در صورتی می‌دانند که انسان شخص شده باشد؛ به عبارت دیگر، کشتن همه انسان‌ها نادرست نیست، بلکه کشتن انسان‌هایی نادرست است که شخص بودن نیز بر آن‌ها صادق باشد. البته درباره اینکه آیا شخص بودن انسان ملاک نادرستی قتل انسان است یا انسان بودن او بحث خواهیم کرد.

۲. وجود ساحتی غیر بدن در انسان. وجود ساحتی غیر بدن در اثبات نادرستی سقط

جنین به لحاظ اخلاقی مؤثر است؛ اما در این تحقیق وجود ساحتی غیر بدن به لحاظ فلسفی مسلم انگاشته شده است و به اثبات آن نمی‌پردازیم، ولی به لحاظ الهیاتی سیر بحث به گونه‌ای است که در برخی از استدلال‌ها از اثبات ساحتی غیر بدن گریزی نیست.

۳. استنتاج «باید» از «هست». این استنتاج مسئله دیگری است که گرچه در مباحث فلسفه اخلاق مهم است، ولی ما آن را مسلم فرض گرفته‌ایم. بنابر عدم استنتاج «باید» از «هست» از باارزش بودن حیات آدمی (هست) نمی‌توان نادرستی و عدم جواز قتل (نباید) را استنتاج کرد، اما همان‌گونه که در پیش فرض پیشین ذکر شد نادرستی کشتن انسان و اینکه اخلاقاً نباید متعرض جان انسان شد مسلم فرض شده است. از این‌رو، اگر در مواردی برخی در پی تحلیل و تبیین نادرستی قتل‌اند، نباید به آن‌ها اشکال کرد که به چه دلیل «باید» را از «هست» استنتاج می‌کنید، چون موافقان و مخالفان سقط جنین اصل نادرستی قتل را پذیرفته‌اند و تنها ممکن است در تحلیل و تبیین و چرایی نادرستی قتل اختلافاتی با یکدیگر داشته باشند.^۱

۴. تفاوت جنبه‌های فقهی و اخلاقی سقط جنین. پیش فرض دیگر در قلمرو الهیاتی، تفاوت جنبه فقهی و اخلاقی مسئله سقط جنین است. برخی ممکن است بر این گمان باشند که تفاوتی میان جنبه فقهی و اخلاقی در تفکر اسلامی وجود ندارد و مسئله سقط جنین به لحاظ اخلاقی به مسئله‌ای فقهی بازمی‌گردد. اینان بر آن‌اند که مرز متمایزی میان اخلاق و فقه نمی‌توان ترسیم کرد. ما به این بحث در اینجا نمی‌پردازیم و بر این گمان هستیم که تفاوت آن دو، تا حدی روشن است و امروزه فیلسوفان و الهی‌دانان درباره مسئله سقط جنین هم به لحاظ اخلاقی و هم به لحاظ حقوقی به بحث می‌پردازند و شیوه بحث در بخش دوم این اثر - مسئله سقط جنین به لحاظ الهیات اخلاقی - متمایز از شیوه فقها در استنباط فقهی است و همین شیوه و مطالب عرضه شده در آن می‌تواند حاکی از تفاوت جنبه اخلاقی و فقهی این بحث باشد. در اینجا تنها به چند نکته در تفاوت اخلاق و فقه اشاره می‌شود:

الف) گرچه برای فقه چهار منبع قرآن، سنت، اجماع و عقل نام می‌برند، ولی غالباً احکام فقهی مبتنی بر قرآن و سنت است. از این‌رو، فقه علمی درون‌دینی و غالباً مبتنی بر منابع دینی است، ولی در اخلاق گرچه آراء و نظریات گوناگونی درباره رابطه دین و اخلاق مطرح شده است، ولی با فرض عدم ابتدای اخلاق بر دین تفاوت مهمی میان فقه و اخلاق رخ می‌نماید و آن اینکه فقه علمی درون‌دینی است، ولی اخلاق اولاً و بالذات علمی برون‌دینی است؛ به عبارت دیگر، در فقه غالباً به ادله لفظی تمسک می‌شود، ولی در اخلاق به ادله عقلی، شهودهای اخلاقی و غیره.

۱. نک: همین کتاب، ص ۷۳.

ب) آنچه غالباً در صورت مخالفت با احکام فقهی مطرح است مسئله مجازات‌های دنیوی و اخروی است چه در باب عبادات که در بسیاری از مواقع فرد با انجام ندادن عبادتی علاوه بر عقوبت اخروی در صورت توبه نکردن، ملزم به قضای آن و حتی پرداخت جریمه‌ای مالی می‌شود و چه در غیر عبادات که فرد به تحمل عقوبت‌های مالی و غیرمالی ملزم می‌شود؛ اما در مباحث اخلاقی عقوبت‌های این‌چنینی مطرح نیست بلکه فرد با مخالفت با احکام اخلاقی نفس خود را تنزل می‌دهد؛ به عبارت دیگر، در اخلاق در پی شناخت امور سزاوار مدح و ذم‌اند، ولی در فقه سخنی از مدح و ذم نیست بلکه استحقاق ثواب و عقاب مطرح است.^۱ در واقع، غایت فقه امتثال امر شارع مقدس است، ولی غایت اخلاق تهذیب و تزکیه نفس است. ج) گرچه فقه و اخلاق هر دو به افعال اختیاری انسان می‌پردازند، ولی دامنه موضوع اخلاق گسترده‌تر است و شامل حالات اختیاری انسان نیز می‌شود. البته برخی بر این تصور بوده‌اند که اخلاق منحصرأ به حالات و ملکات روحی انسان می‌پردازد و از همین روست که گفته‌اند موضوع اخلاق اعمال جوانحی است و موضوع فقه اعمال جوارحی، اما به لحاظ تاریخی مشهود است که در اخلاق هم از افعال و رفتار آدمی بحث می‌کرده‌اند و هم از حالات و ملکات، ولی موضوع اصلی در فقه فعل مکلف است و به ندرت به حالات روحی پرداخته می‌شود، مانند مباحث مربوط به نیت.^۲

د) تفاوت دیگر میان فقه و اخلاق مرتبط با محمول‌های آنهاست. محمول در احکام فقهی واجب، حرام، مستحب، مکروه و مباح است، ولی در احکام اخلاقی علاوه بر باید و نباید سخن از حسن و قبح، خوبی و بدی، و درستی و نادرستی افعال اخلاقی است.^۳

شیوه کار

همان‌گونه که ذکر شد مباحث اخلاقی سقط جنین را هم می‌توان با رویکردی فلسفی پی‌گرفت و هم با رویکردی الهیاتی. ما در اینجا به هر دو رویکرد بحث می‌پردازیم. در بخش رویکرد فلسفی خواهیم داشت: (۱) گزارش و تحلیل مهم‌ترین آراء و نظرها و استدلال‌های آنها؛ (۲) گزارش نقدها و نقد نقدها و تحلیل‌ها و نقدهای دیگری از نظر نویسندگان؛ (۳) استدلال‌های دیگری که می‌توان اقامه کرد و نیز تحلیل و نقدهای کلی. در مباحث فلسفی تمایل بر این بود که به تحلیل و آراء فیلسوفان مسلمان درباره سرشت

۱. نک: جواد، ۱۳۸۸، ص ۱۲۳.

۲. نک: همان، ص ۱۲۲-۱۲۳.

۳. برای اطلاعاتی بیشتر درباره تفاوت‌های میان اخلاق و فقه رجوع کنید به: ضیائی فر (به کوشش)، ۱۳۸۸.

انسان و زمان تکون او و لوازم فلسفه اخلاقی آن در بحث سقط جنین نیز پرداخته شود، ولی به دلیل دامنه بحث بسیار گسترده از آن صرف نظر شد و تنها در نقد برخی استدلال‌ها و تقریر استدلالی بر مبنای فلسفه اسلامی اشاراتی گذرا آمده است.

در بخش الهیاتی، مسئله سقط جنین از منظر الهیات قرآنی پی گرفته می‌شود. در این نگاه به سه گونه استدلال بر نادرستی سقط جنین پرداخته خواهد شد: (۱) تحلیل آغاز حیات انسان با دو تحلیل: یکی مرگ و دیگری تحلیل خاستگاه انسان؛ (۲) جایگاه انسان در نظام هستی؛ (۳) هدیه بودن جنین از سوی خدا.

این اثر مشتمل بر دو بخش و شش فصل است. بخش اول با عنوان نظرگاه فلسفی دارای سه فصل است. فصل اول درباره استدلال‌های جنین محور و فصل دوم استدلال‌های مادر محور است. در فصل سوم به نقدهایی کلی به برخی از پیش فرض‌های اطراف بحث خواهیم پرداخت که به درستی تنقیح نشده‌اند، از جمله تفکیک نکردن انواع ارزش، ابهام نهفته در واژه شخص، و خلط میان معانی گوناگون قوه. بخش دوم با عنوان نظرگاه الهیاتی شامل فصل‌های چهارم، بررسی آغاز حیات انسان، پنجم جایگاه انسان در نظام هستی و تبیین الهیاتی از مسئله سقط جنین به لحاظ اخلاقی است و در فصل ششم به نادرستی سقط جنین مبنی بر هدیه بودن جنین از سوی خدا پرداخته خواهد شد.

شایسته ذکر است که این اثر در اصل پایان‌نامه دکترای اینجانب در دانشگاه باقر العلوم (ع) بوده است که پس از دفاع در پژوهشکده فلسفه و کلام اسلامی (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی) حدود یک‌سوم بر آن افزوده شد و در ضمن برخی از قسمت‌های آن در قالب مقاله پیش از این منتشر شده است.

در پایان لازم می‌دانم از تمامی عزیزانی که به نحوی در این تحقیق لطفشان شامل حال اینجانب شده است، از جمله استاد مصطفی ملکیان، دکتر محسن جوادی، حجت الاسلام و المسلمین احمد واعظی و حجت الاسلام حمزه علی اسلامی نسب که فصل ششم با همکاری ایشان نگارش و مقاله‌ای نیز از آن منتشر شده است، قدردانی کنم. همچنین از ریاست محترم پژوهشکده فلسفه و کلام، دکتر ابراهیم علیپور، مدیر گروه فلسفه اخلاق، دکتر جواد دانش، کارشناس گروه، دکتر علی اکبر علیزاده، و ویراستار محترم سرکار خانم مریم ربانی، تقدیر و تشکر می‌کنم.

جای آن است که برای استاد فقید روانشاد دکتر احمد احمدی «ره» که حوزه و دانشگاه به راستی وامدار خدمات گران‌سنگ ایشان است رحمت و رضوان الهی طلب کنیم. از ریاست محترم سازمان «سمت»، جناب آقای دکتر محمد ذبیحی، ریاست پژوهشکده تحقیق و توسعه و مدیر دفتر قم، جناب آقای دکتر حمیدرضا خادمی، نیز که زمینه انتشار مشترک این اثر را فراهم نمودند سپاس گزارم.